خبرخوان

تعطیلی ۸ مدرسه غیردولتی متخلف

ایسنا: رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی با اشاره به برخورد با ۲۳۵ مدرسه غیردولتی متخلف طی ۹ماهه امسال گفت: «هشت مجوز تعطیلی دائم و ۲۹ تعطیلی موقت مدرسه از یک تا سه سال، سه مجوز تعطیلی مرکز، ۲۳ مورد عزل مدیر و همچنین محرومیت مؤسس (موقت و دائم)، ۶۱ مورد اخطار و توبیخ مدیر و مؤسس، سه مورد جریمه نقدی و همچنین ۱۳ مورد استرداد شهریه به والدین را داشته‌ایم».

احمد محمودزاده ادامه داد: «اقدامات نظارتی بر مدارس در سال‌های اخیر شامل صدور اخطار، تعطیلی موقت و دائم، محرومیت مدیران و مؤسسان و جریمه نقدی بوده است».

او با اشاره به بازنشسته‌شدن برخی معلمان و جذب آنها در مدارس غیردولتی گفت: «هرچند حقوق معلمان پایین است، اما علاقه آنها به مدرسه‌داری و فعالیت آموزشی بسیار بالاست. مدارس غیردولتی در کشور با ۲.۵ میلیون دانش‌آموز و بیش از ۲۱۰ هزار نیروی انسانی مشغول تربیت و آموزش هستند و این ظرفیت از بسیاری بنگاه‌های اقتصادی بالاتر است».

بی‌رغبتی پزشکان عمومی برای ورود به تخصص

ایسنا: رئیس انجمن پزشکان عمومی با هشدار درباره کاهش انگیزه پزشکان عمومی برای ورود به دوره‌های تخصصی پزشکی، تأکید کرد سختی دوره دستیاری، تعرفه‌های غیرواقعی و درآمد پایین و همچنین شرایط نامناسب کاری باعث شده بیش از نیمی از ظرفیت رشته‌های حیاتی پزشکی خالی بماند و روند مهاجرت شغلی و جغرافیایی پزشکان تشدید شود.

احمد ولی‌پور ادامه داد: «سختی کار زیاد و درآمد پایین درباره ورود پزشکان عمومی به دوره تخصصی چه در دوره دستیاری و چه در شرایط کاری طرح تخصص پس از دوره دستیاری، مطرح است. بسیاری از پزشکان عمومی به دلیل سختی شرایط موجود ترجیح می‌دهند وارد دوره تخصصی نشوند».

او درباره تعداد پزشکان عمومی در ایران توضیح داد: «آمار دقیق تعداد پزشکان عمومی و میزان ورود آنها به دوره‌های تخصصی در رشته‌های مختلف در اختیار وزارت بهداشت و سازمان نظام پزشکی است. صرف نظر از تعداد پزشکان عمومی، انگیزه این گروه از پزشکان برای ورود به دوره تخصصی طی سال‌های اخیر به‌شدت کاهش یافته و این روند ادامه دارد».

رئیس انجمن پزشکان عمومی با بیان اینکه آزمون دستیاری از آزمون‌های مهم و پرطرفدار کشور در حوزه پزشکی در گذشته بود، افزود: «پزشکان بسیاری در این آزمون در گذشته شرکت می‌کردند؛ رقابت بسیار سنگین بود و ظرفیت تمام رشته‌ها پر می‌شد. متأسفانه، شرایط رشته‌های تخصصی طی یک دهه اخیر و به طور مشخص چهار تا پنج سال اخیر، به‌شدت نامطلوب شده است».

ولی‌پور با بیان اینکه مدت‌زمان تحصیل دوره تخصص و طرح پس از آن شش تا هفت سال است، گفت: «دوره‌ای که شامل چهار تا پنج سال تحصیل و دو سال طرح است. شرایط تحصیل در دوره تخصص به نحوی است که متخصصان جوان پس از پایان این شش سال و هنگامی که وارد بازار کار می‌شوند نیز با شرایط مناسبی مواجه نیستند».

رئیس انجمن پزشکان عمومی ادامه داد: «شرایط تحصیلی و شغلی سبب شده تعداد زیادی از صندلی‌های دوره تخصص خالی بماند؛ به طوری که بیش از ۵۰ درصد صندلی‌های رشته‌های طب اورژانس، بیهوشی، عفونی، اطفال و حتی داخلی که جزء رشته‌های ماژور و حیاتی محسوب می‌شوند، خالی است و این رشته‌ها با کمبود داوطلب مواجه هستند».

او با بیان اینکه انگیزه کافی برای ورود به دوره تخصص درحال‌حاضر وجود ندارد، گفت: «حقوق بسیار پایین در دوران رزیدنتی و طرح و پس از آن تعرفه‌های بسیار پایین خدمات تخصصی از دلایل بی‌رغبتی تحصیل در رشته‌های تخصصی است. شرایط به نحوی است که کار طبابت با تعرفه‌های دستوری فعلی از طرف دولت و بیمه‌ها دیگر صرفه اقتصادی ندارد».

او درباره کاهش استقبال به رشته‌های مادرتخصصی گفت: «رشته‌هایی مانند بیهوشی، اطفال، طب اورژانس و داخلی جزء رشته‌های مادرتخصصی محسوب می‌شوند. وزارت بهداشت طرح‌های مختلفی مانند تحصیل مستقیم از دوره کارورزی عمومی به تخصص در رشته‌های بیهوشی، طب اورژانس و اطفال را بدون گذراندن طرح تصویب کرده و این طرح طی سال‌های اخیر اعمال شده اما نتیجه‌ای نداشته است. حتی در برخی دانشگاه‌های علوم پزشکی امکان ورود بدون آزمون نیز فراهم شد، اما باز هم داوطلبی برای ثبت‌نام وجود نداشت».

رئیس انجمن پزشکان عمومی ادامه داد: «این موضوع نشان می‌دهد مشکل عمیق‌تر از آن است که با این‌گونه طرح‌های مقطعی حل شود. با این حال، قانون‌گذاران بدون توجه به واقعیت‌های موجود، به دنبال افزایش ظرفیت پذیرش تخصص هستند. به طور مثال، از صد صندلی یک رشته تخصصی فقط ۱۰ نفر ثبت‌نام می‌کنند، افزایش ظرفیت به ۲۰۰ صندلی هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد. این رویکرد نه‌تنها راهکار نیست، بلکه رفتن به سمت ثبت‌نام‌های بدون آزمون می‌تواند به کیفیت درمان نیز آسیب واردکند».

بیمه کامل داروی ایرانی پیوند کلیه

رئیس سازمان غذا و دارو از پوشش بیمه‌ای صددرصدی برای داروی ایرانی پیوند کلیه خبر داد. مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو، در تشریح دلایل افزایش هزینه داروی مایفورتیک برای بیماران پیوند کلیه، گفت: «داروی مایفورتیک یک داروی خارجی برای بیماران پیوند کلیه است، درحالی‌که نمونه ایرانی این دارو در کشور تولید می‌شود و تحت پوشش کامل بیمه قرار دارد».

او افزود: «با توجه به اینکه داروی خارجی از شمول ارز ترجیحی خارج شده و بر مبنای ارز آزاد تأمین می‌شود، قیمت آن افزایش یافته و از سوی دیگر، این دارو از تعهد بیمه‌ها خارج شده است؛ بنابراین افزایش پرداختی بیماران صرفا به دلیل چندبرابرشدن قیمت دارو نیست، بلکه عمدتا ناشی از نبود پوشش بیمه‌ای است. بیماران پیوند کلیه می‌توانند از داروی ایرانی که تحت پوشش کامل بیمه قرار دارد، استفاده کنند و این دارو از نظر اثربخشی، کارایی لازم را دارد».

پیرصالحی با اشاره به تجربه مصرف داروی داخلی در میان بیماران، گفت: «درحال‌حاضر حدود ۶۰ درصد بیماران پیوندی حداقل از یکی از داروهای ایرانی در سبد درمانی خود استفاده می‌کنند و نتایج درمانی مناسبی نیز دریافت کرده‌اند و سایر بیماران نیز می‌توانند به سمت استفاده از داروی ایرانی حرکت کنند، اما درصورتی‌که به مصرف داروی خارجی تمایل داشته باشند، با توجه به نبود پوشش بیمه‌ای، هزینه آن برعهده خود بیمار خواهد بود».

گزارش «شرق» از اعلام حساب شهرداری شیراز به خانواده بازداشتی‌های اخیر و گرفتن پول

جزئیات گرفتن خسارت از بازداشتی‌ها چه بود؟

شهردار شیراز به «شرق» تأکید می‌کند اعلام شماره حساب براساس دستور مقام قضائی بوده است. شنیده می‌شود این روند متوقف شده است

نیلوفر حامدی: «در اقدامی غریب و غیرقانونی، شعب دادسرای رسیدگی‌کننده به اقدامات امنیتی در شیراز، شرط تبدیل قرار بازداشت موقت و قبول وثیقه از خانواده‌های دستگیرشدگان را پرداخت صد میلیون تومان برای دستگیرشدگان قبل از ۱۸ دی و ۳۰۰ میلیون تومان برای دستگیرشدگان بعد از ۱۸ دی به عنوان ودیعه به حساب شهرداری شیراز نزد بانک شهر قرار داده است». هفته گذشته، نازنین سالاری، از وکلای شیراز، این خبر را در قالب توییتی در حساب کاربری خود منتشر کرد؛ خبری که بدون واکنش از سوی نهادهای حقوقی و قضائی در فضای رسانه ماند و همین هم سبب شد «شرق» موضوع را پیگیری کند. پیگیری‌های «شرق» در جریان گفت‌وگو با وکلای شیراز و همچنین شهردار این شهر، حکایت از درست‌بودن این اطلاعات دارد. اگرچه شهردار شیراز می‌گوید این تصمیم با دستور مقام قضائی انجام شده است، اما اطلاعی درباره میزان وجه واریزی خانواده‌های بازداشتی‌های اعتراضات اخیر نداشت. با وجود این، وکلای شیراز می‌گویند به نظر می‌رسد این روند متوقف شده است.

در مرحله تحقیقات اولیه نباید پولی گرفت

نخستین مرحله انتشار این اخبار، با تماس خانواده بازداشتی‌ها رقم زده شد. نازنین سالاری، از وکلای شیراز، در این‌باره به «شرق» توضیح می‌دهد: «در پی بازداشت تعدادی از شهروندان به دلیل اعتراضات ماه گذشته شهر شیراز، در تماس‌های تلفنی که از بازداشت‌شده‌ها داشتیم و مراجعات حضوری خانواده‌های آنها، باخبر شدیم بعد از فک قرار بازداشت موقت تعدادی از معترضان و تبدیل آن به قرار وثیقه، از خانواده‌ها خواسته شده برای بازداشت‌شده‌های قبل از هجدهم دی‌ماه مبلغ صد میلیون تومان و برای بازداشت‌شده‌های بعد از آن تاریخ، مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان به حساب معرفی‌شده از سوی شهرداری شیراز در بانک شهر واریز شود».

سالاری پس از این تماس‌ها سراغ دادسرای امنیتی شیراز و دادسرای انقلاب رفت: «با مراجعه به دادسرای امنیتی شیراز و دادسرای انقلاب آن، درستی این موضوع را جویا شده و مطلع شدیم این خبر درست است و به همین دلیل، پول‌هایی به حساب معرفی‌شده از ناحیه شهرداری شیراز واریز شده است. ظاهرا توجیه تصمیم‌گیرندگان این بوده که خسارات واردشده به تجهیزات شهری باید از سوی بازداشت‌شده‌ها تأمین و جبران شود. بنابراین مبالغ فوق را از آنها دریافت می‌کردند».

او ادامه می‌دهد دریافت چنین مبلغی قانونی نیست: «نظر به اینکه دریافت خسارت مربوط به بزه تخریب منوط به اثبات رفتار مجرمانه مخرب در دادگاه، صدور حکم درباره آن و قطعیت رأی در محاکم تجدیدنظر است، بر هر فرد حقوق‌دانی روشن است که نمی‌توان در مرحله تحقیقات مقدماتی وجهی را از متهم دریافت کرد. متأسفانه این رویه تا چندین روز ادامه داشت و مطلع نیستم آیا همچنان شعب دادسرا واریز این وجوه را درخواست می‌کنند یا خیر، اما باید به شهروندان بگویم آنها حق دارند براساس قانون مدنی و اصول فقه شیعه، برای بازگرداندن وجوه واریزی به محاکم حقوقی مراجعه کنند و دادخواست دهند».

سالاری معتقد است این رویه باید متوقف شود: «مشخص نیست این تصمیم از سوی چه نهادی گرفته شده است؛ آیا اصرار شهرداری بوده؟ آیا درخواست مقامات سیاسی بوده؟ اما به هر جهت دادگستری و مدیران آن موظف به پایان‌دادن به این روند غیرقانونی هستند».

دریافت پول به بهانه «تأمین خواسته» و «ودیعه»

محمود طراوت‌روی، از وکلای دادگستری شیراز، با تأیید این خبر که یکی از بستگانش هم آن را تجربه کرده است، به «شرق» می‌گوید: «به‌صراحت به شخص مدنظر گفتم چنین اقدامی کاملا غیرقانونی است و نباید این رقم را واریز کنند. ماجرا از این قرار بود که برای پرونده‌های اخیر قرار بازداشت موقت‌های زیادی صادر کرده بودند. اوایل اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، فرد بازداشتی را چند روز نگه می‌داشتند و سپس با قرار وثیقه، کفالت یا تعهد آزاد می‌کردند. حدود دو هفته پیش اما خبر رسید به بازداشتی‌ها گفته‌اند باید برای تبدیل قرار بازداشت به وثیقه یا کفالت، پولی واریز کنند. واریز مبلغ هم به این شکل بود که بازداشتی‌های قبل از ۱۸ دی‌ماه باید صد میلیون تومان واریز می‌کردند و بازداشتی‌های بعد از این تاریخ، ۳۰۰ میلیون تومان. روزهای اول این موضوع مسکوت مانده بود، اما پس از چند روز حتی شماره حساب مشخص‌شده را روی کاغذی چاپ کردند و پشت در یکی از شعبه‌های دادیاری دادسرای امور جنایی و امنیتی نیز نصب شد. توضیح‌شان به زندانی‌ها این بود این مبلغ را باید به خاطر خسارت‌هایی که به شهر وارد کرده‌اند بپردازند. حساب درآمدهای شهرداری شیراز، شعبه مرکزی بانک شهر، به آدرس بلوار چمران را هم برای این کار انتخاب کرده بودند». او با اشاره به پیگیری حقوقی این موضوع، از توجیه نهاد تصمیم‌گیرنده درباره این مسئله نیز می‌گوید: «وقتی ما ماجرا را پیگیری کردیم، گفتند این مبلغ با عنوان «تأمین خواسته» دریافت شده است. تأمین خواسته چیزی است که دادگاه تعیین می‌کند تا ضرر و زیان ناشی از جرم را بگیرد. قانونش هم این‌گونه است که دست دادگاه یا دادسرا را باز می‌گذارد تا پیش از صدور حکم، برای تعیین ضرر و زیانی که فعل متهم امکان دارد ایجاد کرده باشد، قراری صادر کند که میزان ضرر و زیان از اموال متهم تأمین شود. اما چنین چیزی شرایط خاص خودش را دارد و باید قرار صادر شود. آن قرار، خودش قابل اعتراض است و در نتیجه در این موضوع صدق نمی‌کند؛ چراکه در وهله نخست تأمین خواسته کیفری روی این پرونده‌ها صادر نشده بود. از سوی دیگر، اگر هم چنین چیزی روی پرونده صادر شده باشد، باید حساب دادگستری را برای این کار معرفی کنند و نه حساب شهرداری را. در مرحله بعدی هم ادعا شد این مبلغ به عنوان «ودیعه» دریافت شده است که این هم قابل قبول نیست؛ چراکه ما در قانون ودیعه‌گرفتن از متهم را نداریم».

او البته خبر می‌دهد از چند روز پیش گویا این روند متوقف شده است: «طبق آنچه خانواده بازداشتی‌ها اعلام کرده‌اند، گویا این روند متوقف شده است. دو روز پیش هم وقتی یکی از خانواده‌ها برای واریز وجه به بانک شهر شیراز مراجعه کرده بود، به او گفته‌اند این حساب بسته شده است و امکان واریز وجود ندارد. البته ما از این بابت خوشحالیم که اگر تصمیم ورای قانونی گرفته شده بود، متوقفش کردند، اما از سوی دیگر باید مشخص شود چه کسانی در این زمینه قصوری مرتکب شده‌اند و همچنین پول نیز به صاحبان اصلی‌اش برگردد». به گفته طراوت‌روی، در غیرقانونی‌بودن این ماجرا تردیدی وجود ندارد: «بدون شک این تصمیم پشتوانه قانونی نداشته است. اگر جز این بود به‌طور علنی انجام می‌شد، متوقفش نمی‌کردند و حتی احتمالا به سایر شهرها هم تسری پیدا می‌کرد».

شهردار شیراز: هر چیزی که بوده، براساس دستور مقام قضائی است. ما هیچ نقشی در این موضوع نداشتیم. مقام قضائی به ما دستور داد شماره حسابی را به این کار اختصاص دهیم. این یک حساب سپرده است که کسی هم نمی‌تواند پولی از آن خارج کند. هرگونه برداشتی هم اگر بخواهد رخ دهد، فقط با دستور مقام قضائی صورت می‌گیرد

شهردار شیراز: برداشت از حساب‌ها با دستور مقام قضائی

اما «شرق» به این داده‌ها اکتفا نکرد و در تماسی با شهرداری شیراز، جویای این شماره حساب و واریزی‌هایش شد. محمدحسن اسدی، شهردار شیراز، در پاسخ به اینکه آیا وجود چنین شماره حسابی برای واریز وجه از سوی خانواده بازداشتی‌های اعتراضات اخیر به بانک شهر شیراز درست است یا خیر، گفت: «هر چیزی که بوده، براساس دستور مقام قضائی است. ما هیچ نقشی در این موضوع نداشتیم. مقام قضائی به ما دستور داد که شماره حسابی را به این کار اختصاص دهیم».

او با اعلام اینکه تا این لحظه اطلاعی از مبالغ واریزشده ندارد، ادامه داد: «این یک حساب سپرده است که کسی هم نمی‌تواند پولی از آن خارج کند. درواقع هرگونه برداشتی هم اگر بخواهد رخ دهد، فقط با دستور مقام قضائی صورت می‌گیرد». اسدی همچنین درباره ادامه فعالیت این حساب برای دریافت وجه خانواده بازداشتی‌ها یا توقف آن، اعلام بی‌اطلاعی کرد.

وزن‌مان چند است؟

نسبت‌شناسی یک جامعه با مهاجرانش

رضا عطایی*

حاصل سال‌ها تجربه زیسته مهاجرتی‌ام با اندک تتبعات و تأملاتی که در این حوزه داشته‌ام، من را به این نظر رسانده است که موضوع مهاجران، نگاه و مواجهه افراد به آن می‌تواند دقیق‌ترین سنجه در تعیین وزن‌شان باشد.

مصب یا لامصب! مثل ترازوهای دیجیتالی امروزی کار می‌کند، مو هم لای درزش نمی‌رود. افراد بسیاری را می‌شناسم که اضافه‌وزن علمی-دانشگاهی یا سنگین‌وزنی اجتماعی-سیاسی دارند، اما هنگامی که روی این ترازو قرار می‌گیرند، تازه وزن واقعی «انسان‌بودن»شان معلوم می‌شود.

جالب است حتی نیازی به سین‌جیم‌کردن هم ندارند و ناخودآگاه خودشان را بروز می‌دهند. به بیان صاحب مثنوی معنوی: «آدمی، مخفی است در زیر زبان/ این زبان پرده است بر درگاه جان/ چون که بادی پرده را در هم کشید/ سرّ صحن خانه شد بر ما پدید».

اما چرا؟ چرا این موضوع می‌تواند این‌قدر راحت درونیات افراد را آشکار کند؟ ذات شریف آدمی که هفت‌خط‌تر از این حرف‌هاست... چرا نمی‌تواند در مواجهه با این موضوع آن‌چنان نقش بازی کند، خود یا حداقل دیگری را بفریبد که مثلا انسان متواضع و اخلاق‌مندی است؟

وقتی به خودمان نگاه می‌کنیم، انگار یک خودبزرگ‌بینی پنهانی در وجود همه ما قرار دارد که در روزگار ما، تزیینات برساخت‌شده هویت-قومیت-ملیت، رنگ و لعاب و شکل بروز دیگری به آن بخشیده است و از سوی دیگر پدیده مهاجرت و موضوع مهاجران -به عنوان یک دیگری و دیگران آشکار در جامعه- بهترین مورد برای بروز آن تکبر پنهانی است.

حضور سیل‌آسای مهاجران افغانی/افغانستانی بعد از سقوط نظام جمهوریت در کابل (مرداد ۱۴۰۰) به ایران، در چند سال اخیر سیلاب مصنوعی و طبیعی واکنش‌های ایرانیان به حضور مهاجران در کشورشان را به وجود آورده است. منظورم از سیلاب مصنوعی، آن بخش از واکنش‌هاست که تحت تأثیر رسانه‌ها و ساخته و پرداخته رسانه‌هاست که در اینجا «افغان‌هراسی» به راه می‌اندازند و در آنجا «ایران‌هراسی».

اما سیلاب طبیعی که بدون تردید بی‌تأثیر از سیلاب مصنوعی نیست، نگران‌کننده‌تر است.

این ترازو اما در سالی که به دشواری در حال سپری‌کردن آن هستم، به‌ویژه در بحبوحه آن ۱۲ روز سخت و دشوار، مهندسی یک موج عظیم رسانه‌ای و «دیگری‌سازی» از مهاجران را به نقطه اوج خود رساند و در ماه‌های اخیر شاهد سنگین‌ترین وزنه‌های آزمون خود بوده است. در هنگامه جنگ تحمیلی ۱۲روزه اخیر، فضایی ایجاد شد که در آن، مهاجر نه یک همسایه نیازمند پناه، بلکه فقط یک «ابژه امنیتی» تصویر و تصور شد. بنا بر پژوهشی، فقط در همان ایام جنگ ۱۲روزه، بیش از ۳۰۰ هزار محتوای مهاجرهراسانه و مهاجرستیزانه در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی تولید شده بود که بیش از ۱۳۰ میلیون بازدید داشته است. همان یک فیلم و انتساب دروغینش به جامعه مهاجران با کپشن جاسوس‌انگاری و اتهام‌زنی «حفر تونل برای نفوذ به یکی از مقرهای حساس امنیتی!»، تنها نمونه‌ای عینی از رسوب این سیلاب مصنوعی در جان سیلاب طبیعی بود؛ نمونه‌ای که نشان می‌دهد یک کلیشه شوم چگونه می‌تواند حقوق اولیه انسانی را زیر سؤال ببرد، حتی اگر نهادهای رسمی در نهایت بر بی‌اساس‌بودن آن کلیشه مهر تأیید بزنند.

حتی تلخ‌تر آنکه این نگاه تحقیرآمیز و هراس‌افکن، در پوشش دلسوزی ملی و نگرانی اقتصادی خود را مخفی می‌کند. گویی فراموش کرده‌ایم که تاریخ مهاجرت در این جغرافیا، همواره روایتی دوسویه داشته است. این تناقض غریب، خود گواهی است بر اینکه مسئله، در بنیاد، اقتصاد یا امنیت محض نیست؛ مسئله همان نگاه خودبرتربینی یا تکبر پنهانی است که در تب‌وتاب بحران‌ها عود می‌کند. آنجا که باید همدلی و هم‌زبانی باشد، سایه سوءظن می‌افتد و آنجا که باید پناه باشد، دیوار اخراج و طرد ساخته می‌شود. این همان لحظه‌ای است که ترازو، بی‌رحم حقیقت را فریاد می‌زند: سنگینی مدرک و مقام، اگر تهی از روح انسانیت باشد، در نهایت چه وزنی خواهد داشت؟

اما در گیرودار همین آشوب‌های مهاجرهراسانه و مهاجرستیزانه، رگه‌هایی از همان انسانیت اصیل که لاینفک تاروپود این خطه فرهنگی-تمدنی و وطن فارسی است، به زیبایی می‌درخشد. در گوشه‌وکنار همین شهر، «قلعه‌سین»هایی (روستایی از توابع شهرستان پیشوا) وجود دارد؛ محله‌ها و دل‌هایی که حصار تعصب و کینه به خود نمی‌گیرند. همان‌جا که پیرزنی نگران رفتن همسایه‌های افغانستانی‌اش است، راننده‌ای دهن‌به‌دهن می‌شود تا مسافران مهاجر قانونی را از دست مأموران برهاند یا کاسبی قدیمی یاد روزهایی می‌افتد که دست‌های مهاجری برایش نان آورده‌اند. اینها صحنه‌های پاک‌نشدنی زیست مشترک ۴۰ساله‌اند؛ خاطراتی که بر بستر روزمرگی‌های یک کوچه، یک بازار یا یک کارگاه تنیده شده است.

از سویی، این همان «تاریخ نامرئی»ای است که موج‌های مهاجرستیزانه هرگز نخواهند توانست از صفحه روزگار بزدایند. این تصاویر یادآور می‌کنند که مسئله مهاجران، پیش از هر چیز، آزمونی برای سنجش ظرفیت همزیستی، مدارا و انصاف ما در دل جامعه است.

و در این میان، پرسش از سیاست‌گذاری رسمی نیز خود بر کفه‌ای از همین ترازو می‌نشیند. امنیت واقعی یک کشور، فقط با دیوارکشی به دست نمی‌آید، بلکه با سرمایه‌گذاری بر امنیت انسانی و اعتمادسازی درون‌جامعه‌ای ممکن می‌شود؛ اعتمادی که ترازویش این روزها به‌شدت در نوسان است. در این موضوع حرف بسیار است که بخش‌هایی از آنها را در نوشته‌هایم در این سال‌ها انعکاس داده‌ام. به هر حال بر این نظرم که این موضوع می‌تواند ترازوی خوبی برای وزن‌کردن آدم‌ها باشد، به‌ویژه برای تعیین سطح و عمق روابط.

و بی‌گمان، عمیق‌ترین و پایدارترین روابط، آنهایی هستند که از کوره این آزمون دشوار، سربلند بیرون می‌آیند. روابطی که بر پایه دیدار انسان با انسان بنا شده، نه براساس برچسب‌های اتباع و میزبان. شاید زمان آن فرا رسیده که به‌جای گیرکردن در بند وزن‌های ساختگی و برساخت‌شده، یک بار برای همیشه وزن‌مان را به عنوان انسان بر این ترازوی حساس بگذاریم؛ آن‌گاه خواهیم دید چه کسی واقعا سنگین‌وزن است.

*** دبیر کارگروه اجتماعی-سیاسی انجمن راحل و کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران**

خبرهای روز

اضافه‌شدن هزار نیرو و ۹۰ ون به اورژانس اجتماعی

ایرنا: رئیس سازمان بهزیستی کشور گفت: برای تقویت اورژانس اجتماعی، ۹۰ خودروی ون و هزار نیروی جدید به این بخش اضافه خواهد شد. جواد حسینی به مناسبت رژه اورژانس اجتماعی در شیرخوارگاه آمنه گفت: «برنامه اورژانس اجتماعی از سال ۱۳۷۸ در کشور راه‌اندازی شد. این برنامه شامل سه فعالیت مراکز مداخله در بحران، خط تلفن اورژانس اجتماعی ۱۲۳ و خدمات سیار اورژانس اجتماعی است». او افزود: «این مراکز به افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی در شرایط بحرانی به‌صورت شبانه‌روزی و به‌صورت رایگان به ارائه خدمات اجتماعی روانی می‌پردازند، در حال حاضر ۳۸۶ مرکز اورژانس اجتماعی در کشور فعال است و ۵۸۸ تیم خدمات سیار با ۴۲۶ خودرو خدمات تخصصی فوریتی را در محل گزارش‌شده ارائه می‌کنند». او ادامه داد: «در سال جاری ۱۱ مرکز اورژانس اجتماعی راه‌اندازی شده است و تا پایان سال پنج مرکز اورژانس اجتماعی در شهرستان‌های فاقد مرکز راه‌اندازی خواهد شد، ۱۱۵ شهرستان در ایران فاقد مرکز اورژانس اجتماعی هستند که ۱۹ شهر آن بالای ۵۰ هزار نفر جمعیت هستند. در سال جاری با همکاری سازمان امور اجتماعی و سازمان برنامه و بودجه، پیگیری برای خرید حدود ۹۰ خودروی ون اورژانس اجتماعی در دست اقدام است». حسینی یادآور شد: «چهار هزارو ۲۳۳ نفر در مراکز اورژانس اجتماعی خدمت ارائه می‌کنند که از این تعداد دو هزارو ۸۶۰ نفر خرید خدمت هستند، از ابتدای سال جاری تاکنون ۴۱۲ هزارو ۷۹۶ تماس با خط تلفن اورژانس اجتماعی گرفته شده است که از این تعداد ۳۰۲ هزارو ۲۰۱ تماس توسط بانوان و تعداد ۱۱۰ هزارو ۵۹۵ تماس توسط آقایان بود، بیشترین فراوانی تماس‌ها مربوط به کودک‌آزاری و اختلافات حاد خانوادگی بوده است».

برخی بیمارستان‌ها مخالف بازدید هستند

ایلنا: رئیس سازمان مدیریت بحران شهر تهران با تأکید بر اینکه طرح بازدید و ارزیابی ایمنی ساختمان‌های مهم و بلندمرتبه پایتخت با هدف پیشگیری از حوادث و مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها ادامه دارد، گفت: «تاکنون بیش از ۱۱ هزار ساختمان از ۱۶ هزار ساختمان ناایمن شناسایی شده و بررسی شده‌اند». علی نصیری با تأکید بر اینکه اولویت این سازمان پیشگیری بر درمان و ایمن‌سازی بر پاسخ فوری است، گفت: «زمانی که مدیریت بحران شهر تهران را تحویل گرفتم، ایمن‌سازی زیرساختی و شناسایی نواحی پرخطر را در دستور کار قرار دادیم. در کنار این اقدامات، طرح‌های متعددی شکل گرفت که امروز به نقطه‌ای رسیده‌ایم که دستمان خالی نیست». او با بیان اینکه ساختمان‌های تهران به دو دسته کلی «مهم» و «بلندمرتبه» تقسیم می‌شوند، توضیح داد: «به دلیل محدودیت منابع در ارزیابی و ایمن‌سازی، قانون‌گذار اولویت‌بندی مشخصی ارائه کرده است. ساختمان‌های مهم شامل مراکز امدادی، مراکز نقل حکومتی، ساختمان‌های دارای اسناد و ثروت‌های ملی مانند موزه‌ها و کتابخانه‌های ملی و همچنین ساختمان‌هایی هستند که بیش از ۳۰۰ نفر در آنها حضور دارند». رئیس سازمان مدیریت بحران درباره ساختمان‌های بلندمرتبه افزود: «اختلافات و آیین‌نامه‌های مختلفی درباره تعریف ساختمان بلندمرتبه وجود داشت؛ برای جلوگیری از این اختلافات، مبنا را مشابه آتش‌نشانی قرار دادیم؛ ساختمان‌هایی با بیش از شش طبقه و زیربنای پنج هزار متر مربع، در دسته بلندمرتبه‌ها قرار گرفتند».

او ادامه داد: «کل ساختمان‌های بلندمرتبه و مهم تهران در فهرست ما قرار گرفتند که تعداد آنها پیش از ۱۶ هزار مورد بود و بازدیدها از سال ۱۴۰۱ آغاز شد. در این مسیر تفاهم‌نامه‌ای با ۹ دستگاه مرتبط، از جمله نظام مهندسی ساختمان، آتش‌نشانی، وزارت کار و سازمان مدیریت بحران، در حضور وزیر وقت کشور و شهردار امضا و تأمین مالی این پروژه توسط شهرداری تهران انجام شد». نصیری افزود: «از مجموع ۱۶ هزار ساختمان، تاکنون بیش از ۱۱ هزار ساختمان بازدید شده و اطلاعات مربوط به آنها به‌صورت محرمانه در اختیار مقامات مسئول قرار می‌گیرد. برنامه ما اتمام بازدید تمامی ساختمان‌ها تا پایان سال جاری است».